

بسمه تعالی

ما مسئول اشکهای امام زمانیم

(کنکاشی در نقش امر به معروف در اجابت دعای فرج و نصرت امام زمان)

حسن ملائی^۱

طلیعه

اگر قرار باشد فقط یک نفر در روی زمین مستجاب الدعوة بوده و دعایش را پروردگار عالم بپذیرد، او ولیّ خدا و محبوب‌ترین انسانها نزد خدا، یعنی حضرت ولیّ عصر عجل است. در شرح احوالات امام زمان بارها خوانده‌ایم که علاوه بر اینکه ایشان ما را به دعا برای فرج، تشویق نموده‌اند،^۲ خود نیز بارها از پروردگار متعال، فرج و ظهور خویش را از پروردگار متعال درخواست نموده، فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَامْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا».^۳ حال پرسش اینجاست که چرا خداوند حکیم، دعای خلیفه و جانشین خویش^۴ در زمین را برای تعجیل در فرجش مستجاب نمی‌کند؟ پاسخ به این پرسش را باید در چند نکته جستجو نمود:

اول: آنچه مراد از استجاب دعاست

اولین نکته قابل توجه در این باره آن است که مراد از استجاب دعا، فهم عمومی از آن یعنی تحقق خارجی خواسته نیایشگر است و الا اگر استجاب را به توجه ویژه خدای رحمان به شخص دعاکننده معنی کرده و وقوع فعلی حاجت را متمم استجاب بدانیم کما اینکه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این طور معنی کرده‌اند، شکی در عنایت مخصوص خدای متعال به دعای امام زمان و منتظران وی نیست.

دوم: مردم، باید خود نیز ظهور امام زمان را بخواهند

درست است که امام زمان علیه السلام با اشک روان، تعجیل در فرجش را از خدا می‌خواهد^۵ اما این حقیقت این فرج، گشایشی برای همه انسانهاست و او طبق وعده الهی خواهد آمد تا ظلم و بی‌عدالتی را از جامعه انسانی از بین برده و زمینه را برای رشد و سعادت بشری فراهم نماید، پس سود این ظهور برای انسانهاست.

حال اگر دعای امام زمان برای مردم است، پس این مردم هستند که خود نیز باید طالب ظهور و حکومت عدل مهدوی باشند، در غیر این صورت، دعای شخص مستجاب نمی‌شود، همانند پدر و مادری که برای موفقیت خوشبختی فرزندانشان دعا می‌کنند اما خود آنها چنین خواسته‌ای را ندارند، نمونه قرآنی آن فرزند حضرت نوح است که با وجود دعای پدری پیامبر برای نجات پسری غیر صالح، چون خود او نمی‌خواست، دعایش مستجاب نشد و فرزندش در دنیا و آخرت نگون بخت شد.^۶

سوم: در خواست مردم باید حقیقی و از صمیم دل باشد

ممکن است کسی بود که چطور امکان دارد، فردی تا جامعه به دنبال خوشبختی و پویای خود نباشد، در حالی که همگان با چنین آرزویی زندگی و تلاش می‌کنند؟ در این مورد دو نکته اساسی وجود دارد:

اولاً واقعیت آن است که همگان به دنبال سعادتند اما در شناخت آنچه که واقعاً آنها را به خواستهایشان می‌رسانند، کوتاهی می‌کنند، در نتیجه ممکن است به سبب نشناختن عامل واقعی سعادتشان به دنبال کسب این عامل نباشد.

ثانیاً: گاهی ممکن است این شناخت باشد اما به دلیل سطحی بودن شناخت، یا عدم باور به آن و یا روحیه تنبلی، در پابندی عملی به لوازم آن، کوتاهی کند. که در هر صورت نتیجه یکی است و حاصل آن عدم دستیابی به عامل سعادت و در نتیجه عدم کامیابی و خوشبختی است.

چهارم: حرکت و تلاش، نشانه خواست حقیقی است

درست است که خواستن یک فعالیت درونی و قلبی است اما حاصل آن حرکت و تلاش بیرونی است و عدم تلاش بیرونی، حاکی از جدّی نبودن خواست درونی است و معلوم است که چنین خواستی هیچگاه موجب رسیدن به هدف نخواهد بود، از حضرت علی روایت شده که فرمود: «الداعی بلاعمل كالرامي بلاوتر؛ دعا کنند بدون عمل و تلاش همانند تیرانداز بدون زه است».^۷

پنجم: اصلاح گری جامعه، علامت در خواست حقیقی فرج و نشانه شوق به حکومت عدل مهدوی است

آنچه در مسأله ظهور و تشکیل حکومت جهانی امام عصر علیه السلام و استجابت دعا برای فرج آن حضرت مهم است، تلاش عمومی برای اصلاح جامعه و رفع موانع نزول رحمت ویژه خدای رحیم به انسانهاست است زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

«ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّوْءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ».^۸

بنابراین همان گونه که نشانه تشنگی حقیقی حرکت برای به دست آوردن آب است، علامت طلب فرج نیز تلاش برای دستیابی به امر فرج است، چرا که گرچه ظهور حضرت به امر و اراده خداست، اما اراده خدا موقعی به این امر تعلق می‌گیرد که مردم نیز حکومت امام زمان را واقعاً بخواهند و تلاش برای اصلاح وضع موجود و کسب حداقل‌های لیاقت حکومت مهدی، علامت طلب حقیقی است.

ششم: تجلی اصلاح گری جامعه در امر به معروف و نهی از منکر عمومی است

راهبردی‌ترین کار در جهت اصلاح جامعه همانا امر به معروف و نهی از منکر است؛ حضرت زهرا فرمود: «فرض الله... الامر بالمعروف مصلحة للعامة»^۹ خداوند، امر به معروف و نهی از منکر را به خاطر اصلاح عموم، را واجب نموده است» بنابراین نمود اصلاح گری اجتماعی - که همانا نشانه شوق حقیقی به استقرار حکومت حق امام زمان علیه السلام است - را باید در انجام این فریضه جستجو نمود. حضرت امام خمینی رحمته الله نیز که با همین رویکرد، انقلاب بی نظیر قرن بیستم را رهبری

نمود، در این زمینه فرمود: «همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند.»^{۱۰}

هفتم. برای استجابت دعای فرج، امر به معروف کنید

حقیقی که توجه به آن باعث شرمندگی همه شیعیان و محبان امام زمان است، این است که همه ما برای تعجیل در فرج حضرت، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، دعا می‌کنیم اما در موارد زیادی، از امر به معروف و نهی از منکر که نشانه صدق دعا و زمینه ساز مردمی برای ظهور است نشانه خالی می‌کنیم در حالی که شنیده‌ایم امیرالمؤمنین فرمود: «لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّيَ اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ»^{۱۱} امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که (در نتیجه ترک آن) خداوند امور شما را به اشرارتان واگذارد، آنگاه (که در تنگنای ظلم و فساد واقع شدید) لب به دعا (برای رهایی و نجات) می‌گشایید ولی دعایتان مستجاب نمی‌شود.» نکته بسیار مهم اینجاست که از امام رضا عبارتی دیگر و شبیه این حدیث، چنین آمده است: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.»^{۱۲} در این سخن امام، این مطلب مهم وجود دارد که در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها دعای عموم مردم که حتی دعای خواص و خوبان جامعه نیز برای برطرف شدن ظلم و بلا، مستجاب نخواهد شد. حال سؤال اینجاست که چه کسانی از خواص جامعه هستند؟ آیا کسی جز امام زمان علیه السلام را می‌توان به عنوان شاخص‌ترین و کامل‌ترین خواص جامعه اسلامی، بر شمرد کما اینکه امیر المؤمنین در ضمن سخنی ارزشمند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ... فَاخْتَارَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي وَهُمْ خِيَارُ أُمَّتِي»^{۱۳}

بنابر این اگر دعای حضرت برای فرج، به ظاهر مسجاب نمی‌شود، بی‌دلیل نیست و دلیل آن کوتاهی ما در امر به معروف و نهی از منکر است و ما مسئول اشکهای امام زمان و تأخیر در اجابت دعا و ظهور اویم. پس بیاییم با اراده‌ای جمعی همگی این دستور مهم الهی را که بوسیله انجام آن، سایر دستورهای الهی در جامعه اجرا می‌شود^{۱۴} را انجام دهیم تا هم

هم مصداق «بهترین امتی» شویم که قرآن در وصف ایشان فرمود: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^{۱۵} و هم شرایط استجابت دعای امام زمان را فراهم کنیم.

هشتم. یاران سیدالشهدا و امام زمان، آمران به معروف و ناهیان از منکرند

نگاهی به واقعه عاشورا و رخداد بی نظیر ظهور نشان می دهد که رهبران و یاران ایشان در هر دو قیام، آمران به معروف و ناهیان از منکر بوده و هستند. امام حسین فلسفه قیام عاشورایی خود را این گونه می فرماید که: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّى صَ أُريدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ...»^{۱۶} و مهدی موعود نیز در هنگام ظهور و گرفتن پیمان از یاران خویش یکی از مفاد تعهد را اجرای امر به معروف و نهی از منکر قرار می دهد و می فرماید: «إِنِّي لست قاطعاً أمراً حتّى تبایعونى على ثلاثين خصلة تلزمكم لا تغیرون منها شیئاً ... أبایعکم على أن ... تأمروا بالمعروف و تنهون عن المنکر»^{۱۷}.

تذکر: محدوده امر و نهی در زمانه ما

غیر از احکام، شرایط و آدابی که در امر به معروف و نهی از منکر باید آموخت، دانستن و التزام به محدوده امر و نهی، برای اجرای درست و بهره مندی از آثار و برکات آن مهم است؛ این محدوده در زمان ما و در جامعه ما که نظام اسلامی در آن مستقر است در بیان حکیمانه رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای این گونه آمده است:

« امر به معروف و نهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتر است؛ چون پایه دین را محکم می کند. اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر استوار می کند. مگر مأمورین و مسئولین ما می توانند امر به معروف و ناهی از منکر را با دیگران مساوی قرار دهند؛ چه رسد به اینکه نقطه ی مقابل او را تأیید کنند؟! البته جوان حزب اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشمهایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی از منکر، فساد ایجاد نماید که چهره حزب الله را خراب کند. باید مواظب باشید»^{۱۸}.

مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله نماز است. یاد گرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسئله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ البته من عرض می‌کنم قبلاً هم گفته‌ام در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسئولین است. آن‌ها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهم‌تر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلاف‌کار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست.^{۱۹}

جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند. چرا این واجب امر به معروف، امر به کارهای خوب در جامعه‌ی اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگویید به من چه؛ او هم نمی‌تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید. بعضی خیال می‌کنند تا منکری دیده شد، باید با مشت به سراغش بروند! نه، ما سلاحی داریم که از مشت کارگتر است. آن چیست؟ سلاح زبان. زبان از مشت خیلی کارگتر و نافذتر و مؤثرتر است؛ مشت کاری نمی‌کند. بعضی جوانان به ما نامه می‌نویسند که اجازه بدهید ما با این تظاهرات منکراتی، مقابله و مبارزه کنیم. خیلی خوب، مقابله بکنید؛ اما چطور؟ بریزید، طرف مقابل را تکه پاره کنید؟! نه، این نیست. حرف بزنید، بگویید؛ یک کلمه بیشتر هم نمی‌خواهد؛ لازم نیست یک سخنرانی بکنید. کسی که می‌بینید خلافتی را مرتکب می‌شود دروغ، غیبت، تهمت، کینه‌ورزی نسبت به برادر مؤمن، بی‌اعتنائی به محرمات دین، بی‌اعتنائی به مقدسات، اهانت به پذیرفته‌های ایمانی مردم، پوشش نامناسب، حرکت زشت یک کلمه آسان بیشتر نمی‌خواهد؛ بگویید این کار شما خلاف است، نکنید؛ لازم هم نیست که با خشم همراه باشد. شما بگویید، دیگران هم بگویند، گناه در جامعه خواهد خشکید.^{۲۰}

بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آن‌ها ایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید، «زبان» است.^{۲۱}

^۱. کارشناس ارشد مهدویت

۲. «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲۸.

۴. - السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمُهَدِّينَ. المصباح للكفعمی، ص ۴۹۵.

۵. - از دعاها حضرت مهدی: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَجِّلْ فَرَجِي وَ أَقْلِنِي عَثَرَتِي وَ ارْحَمْ عَثَرَتِي. مصباح المتعجذ، ج ۱، ص ۲۳۰.

۶. وَ نَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنِّي وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ * قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ سوره هود، آیه ۴۵-۴۶.

۷. تحف العقول، ص ۱۱۱.

۸. - سوره نحل، آیه ۱۱۹.

۹. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۶۸.

۱۰. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۶۸.

۱۱. الكافي، ج ۷، ص ۵۲.

۱۲. وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۱۱۸.

۱۳. - الغيبة للنعماني، ص ۸۴.

۱۴. امام باقر: إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلَحَاءُ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ؛ الكافي، ج ۵، ص ۵۶.

۱۵. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۱۶. - بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۱۷. - إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب، ج ۲، ص ۱۶۸.

۱۸. - سخنرانی معظم له در تاریخ ۲۲ / ۰۴ / ۱۳۷۱.

¹⁹ - سخنرانی معظم له در تاریخ 22 / 04 / 1371.

²⁰ - سخنرانی معظم له در تاریخ 15 / 08 / 1370.

²¹ - سخنرانی معظم له در تاریخ 22 / 02 / 1377.